

بررسی فقهی رمز ارزها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله‌بودن و ساختار الکترونیکی آنها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

۵

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و سوم / شماره ۸۹ / بهار ۱۴۰۲

محمدحسین بیاتی*
محمدصادق جاودان**
حسین زمانیان***

چکیده

ارز مجازی با هدف تسهیل در انجام امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها و توسط افراد جامعه مطرح شد. این گونه پول‌ها هیچ سرویس دهنده مرکزی یا مؤسسه مالی برای کنترل نقل و انتقال ندارد؛ بدان علت که همه چیز آن بر ارتباطات نظیر به نظیر بنا شده است. حال از آنجا که استفاده از ارزهای دیجیتال یا الکترونیکی در بازارهای داخلی و جهانی به سرعت در حال گسترش است، ناچار از بحث و تحقیق درباره جنبه‌های مختلف آن از نظرگاه فقهی می‌باشیم و به جهت آن که این پدیده از پدیده‌های نوظهور پیچیده است، در ابتدا می‌بایست ماهیت و ویژگی‌های خاص آن را - که استنباط احکام شرعی تنها از طریق شناسایی آن میسر می‌شود - بشناسیم. بعد از روشن شدن جوانب مختلف این ارزها می‌بایم که بسیاری از شبهاتی که حول شرعی بودن آنها به وجود آمده، ناشی از عدم شناخت ماهیت و فناوری ساخت آنها و مبادله با آنها بر اساس این فناوری است. حکم به حرمت عملیات استخراج رمزارز و حرمت معامله با آنها از منظر فقه امامی از حیث حکم اولی بسیار دشوار است. در این مقاله سعی می‌شود با روش اجتهادی به بررسی صحت معاملات با رمزارزها پرداخته، به تمامی اشکالات وارد بر آن پاسخ داده شود.

* عضو هیئت علمی دانشگاه عدالت و استاد دانشگاه امام صادق. Email: bayati@edalatac.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد مالی اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: sadeghisu7@gmail.com

*** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

Email: Hosseinisu93@gmail.com.

واژگان کلیدی: رمزارز، پول مجازی، مالیت، اکل مال به باطل، بررسی فقهی.
 طبقه‌بندی JEL: E61, E60, E52, Z12.

مقدمه

پول از ابداعات ضروری و برای اقتصاد مانند هوا یا خون برای بدن است. پول در طول تاریخ اشکال گوناگونی داشته است. به مرور پول از شکل کالایی به صورت اسکناس و ارقام الکترونیکی درآمد و انتشار آن به بانک مرکزی سپرده شد. اقتصاد به حجم معینی پول نیازمند است و کمی و زیادی آن سبب اختلال می‌شود. تعیین حجم تعادلی پول از دشوارترین سیاست‌های اقتصادی است و عدم تعادل آن به رکود یا تورم می‌انجامد. حجم پول باید متناسب با رشد اقتصاد رشد کند و در اختیار کسانی قرار گیرد که ارزش فزوده ایجاد می‌کنند. در اختیار گرفتن پول بدون ایجاد ارزش افزوده به معنای انتقال پول از واجدان ارزش افزوده به فاقدان آن است (رستمی، ۱۴۰۰، ص ۲۳۲).

رمزارزها یا ارزهای مجازی نسل جدیدی از پول‌های دیجیتال* اند. ایده این پول‌ها در سال ۱۹۹۸ میلادی به منظور تسهیل انجام امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها (بانک) توسط وی دای مطرح شد. وی پیشنهاد نوع جدیدی از پول الکترونیک را داد که از روش رمزگذاری رایانه‌ای برای کنترل تولید پول و انجام معاملات بدون واسطه و مرجع مرکزی استفاده می‌کرد (خادمان، کوشی و نوری، ۱۴۰۰، ص ۳۵۰).

قدرت محاسبات و توسعه رمزنگاری، همراه با کشف و استفاده از الگوریتم‌های جدید، موجب پدید آمدن مفهومی به نام دفتر کل توزیع شده گردید. دفاتر کل توزیع شده، زیرساخت‌هایی راهبردی‌اند که نهادهای کلان مانند نظام بانکی، بورس، اوراق بهادر، دفتر اسناد رسمی، زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای صنایع مختلف را با توجه به اهداف، کارکردها و راهبردهای ایشان در معرض تحولات اساسی قرار داده است. دفاتر کل توزیع شده مبتنی بر ساختار داده زنجیره بلوکی، شناخته‌ترین نوع دفاتر کل توزیع شده‌اند (رجبی، ۱۳۹۷).

* اطلاق پول بر رمزارزها یک اطلاق عرفی است، فارغ از آنکه ویژگی‌های مفهوم اقتصادی پول بر آن تطبیق کند یا نه.

زنجیره بلوکی یک دفتر ثبت از تمام تراکنش‌هایی است که یک ارزش را انتقال می‌دهد. نسخه‌ای از این دفتر کل در اختیار هر یک از اعضای شبکه قرار خواهد گرفت (یعقوبی، ۱۳۹۶). با استفاده از رمزنگاری در این فرایند، امکان حذف و دستکاری اطلاعات ثبت شده نزدیک به محال می‌باشد. این پایگاه داده همچنین ضرورت وجود یک نهاد مرکزی برای تأیید تسویه تراکنش را برطرف می‌سازد (نوروزی و صادقی شاهدانی، ۱۳۹۹، ص ۳).

در فوریه سال ۲۰۰۸ فرد یا گروهی برنامه‌نویس به نام مستعار ساتوشی ناکاماتو در مقاله‌ای پول مجازی «بیت‌کوین» را به متخصصان و مردم جهان معرفی کردند (Nakamoto, 2009). تجربه موفق بیت‌کوین و مزایایی که تکنولوژی آن با خود به ارمغان آورد، همچون تسریع نقل و انتقال ارز در سراسر جهان، غیرقابل‌شناسایی بودن طرفین مبادله، ناتوانی دولت‌ها در مصادره و بلوکه کردن، خاصیت ضدتورمی داشتن، کارمزد پایین نقل و انتقالات و بسیاری از مزایای دیگر موجب گردید در مدت‌زمان کوتاهی، به طور فزاینده‌ای رشد یابد و انواع و اقسام مختلفی از آن با اهداف متنوع خلق گردد.

توسعه اقسام مختلف رمزارزها سبب شد این فناوری کاربردهای گوناگونی در سطح اقتصاد جوامع پیدا کند. از جمله این کاربردها می‌توان به ارتقای کیفیت خدمات در بخش‌هایی همچون بیمه، بانکداری، فناوری اطلاعات، مدیریت داده و فناوری‌های ارتباطی اشاره کرد (نوروزی و شعبانی، ۱۴۰۰، ص ۲).

حال با توجه به اهمیت مسائل شرعی در ذیل نظام جمهوری اسلامی و گسترش تهدیدها و فرصت‌های مجازی این پدیده در جهان به‌ویژه در ایران حکومت‌ها باید ماهیت این نوع پول‌ها را به منظور تنظیم قوانین و مقررات آنها بررسی کنند. از منظر یک مسلمان و یک نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام، به‌خصوص در جمهوری اسلامی این مسئله اهمیت بالاتری پیدا می‌کند که آیا مبادله رمزارزها از لحاظ شرعی مورد تأیید است؟ بدین معنا که معاملات با رمزارزها و کسب درآمد از این راه از منظر فقه جعفری چه حکمی دارد؟

به منظور پاسخ به سؤال تحقیق ابتدا سازوکار فنی-اقتصادی پدیده ارزهای مجازی و بروز و ظهور آنها بررسی شده، سپس انواع ارزهای مجازی و ماهیت آنها تبیین می‌گردد و به منظور تحلیل فقهی ارزهای مجازی سعی شده است با روش اجتهادی ابعاد فقهی موضوع و حکم معامله با رمزارزها تنقیح گردد.

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

در خصوص بررسی فقهی ارزشهای مجازی، مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ذیل به موارد مذکور اشاره می‌شود:

رستمی و همکار (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ماهیت، آثار و چالش‌های اقتصادی و فقهی بیت‌کوین» با استفاده از روش تحلیلی به بررسی ماهیت و کارکرد رمزارزها به مثابه انواع جدید پول و بررسی چالش‌های رواج این رمزارز و مشکلات فقهی آن پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بیت‌کوین از نظر اقتصادی، حقوقی و فقهی دارای چالش‌های متعددی‌اند همچون آنکه بیشتر عقلا برای معاملات آن سبب عقلایی و عرفی قایل نیستند و از این رو آن را از مصادیق اکل مال به باطل دانسته‌اند. همچنین نوسانات بسیار زیاد قیمت، معاملات آن را با ضرر همراه می‌سازد و به سبب زمینه‌سازی برای مشکلات امنیتی، تسهیل جرایم اینترنتی، فرار مالیاتی، سفته‌بازی و پول‌شویی سبب اختلال اقتصادی‌اند که با توجه به این چالش‌ها لازم است رمزارزها تا زمان سامان‌یافتن رمز پولی که از سوی بانک مرکزی اعتبار یابد، از آنها جلوگیری شود.

جدیدیان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی ماهیت فقهی و حقوقی بیت‌کوین» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کشورهای غربی، آمریکا، چین و غیره این نوع ارز را دیجیتال را به رسمیت شناخته و بر آن قوانینی را وضع کرده‌اند؛ اما در جوامع شیعه و اهل سنت چه داخل ایران و سایر کشورها به طور کامل این نوع ارز را باطل اعلام کرده‌اند.

آذری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی احکام فقهی ارز مجازی: مطالعه موردی بیت‌کوین» با روش توصیفی و تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای به بررسی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق دال بر آن است که دیدگاه فقه در مقابله با موارد مستحدثه مالی از جمله بیت‌کوین تأییدی است. پول مورد تأیید فقه شیعه محصور به وجوه نقد نیست. مالیت یک ارز رابطه مستقیمی با مطلوبیت آن در میان عرف عقلا و مردم دارد. در فقه شیعه

هیچ قید و مبنایی مبنی بر آنکه مالیت ایجادشده از مزایای مصرف‌گرایی باشد، وجود ندارد و ارز مجازی و بیت‌کوین مالیت دارد.

میرزاخانمی و سعدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بیت‌کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی» به بررسی این مسئله به روش تحلیلی پرداخته‌اند. در این مقاله در ابتدا مالیت بیت‌کوین و رمزارزها را مورد تأمل قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به ویژگی‌ها و خلأهای موجود در آن و عدم تأیید عقلا به راحتی نمی‌توان برای آن مالیت قایل شد و از آنجا که کارکردهای اصلی پول به عنوان ارزش مبادله‌ای خالص در این رمزارز کامل نیست، در حال حاضر نمی‌توان بیت‌کوین را به عنوان یک پول شناخت و اطلاق لفظ ارز به آن نوعی تسامح در تعبیر است؛ همچنین عقلای جامعه برای معاملات مبتنی بر بیت‌کوین، سبب عقلایی و عرفی قایل نبوده و از این رو این معاملات از مصادیق اکل مال به باطل و سفهی بودن معامله خواهد بود و نوسان قیمت در بیت‌کوین و ناشناخته و خطرپذیر بودن این رمزارز، معاملات آن را با غرر همراه خواهد کرد؛ لذا با توجه به چالش‌های دیگر پیش روی معامله با این رمزارزها صحت آن از نظر فقهی با اشکال روبه‌رو خواهد بود.

عیوضلو و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل فقهی-اقتصادی استخراج رمزارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام» با استفاده از روش تحلیلی به بررسی آنها پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد اولاً با توجه به گسترش مصادیق مختلف ارزهای مجازی، باید حکم استخراج هر ارز مجازی را به صورت مجزا با اصول و قوانین اسلامی تطبیق داد. در این راستا از منظر فقه فردی اگر پاداشی که در ازای فعالیت استخراج پرداخت می‌شود، امری باشد که در نظام اقتصادی، عوض و مابه‌ازای معتبر نداشته باشد، عقد باطل است؛ ثانیاً از منظر فقه حکومتی پرداختن به این نوع فعالیت‌ها در صورتی که منجر به تقویت حکومت اسلامی شود، جایز بوده و باید مورد توجه قرار گیرد و در صورتی که موجب استیلائی نظام سلطه بر حکومت اسلامی گردد، جایز نیست.

نخردمنند (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل فقهی فرایند استخراج و مبادله ارزهای مجازی» با استفاده از روش تحلیلی پس از بررسی شقوق مختلف عقود و معاملات در سطح فقه فردی، به این نتیجه رسیده است که مالکیت ارزهای مجازی را می‌توان در قالب تلاش برای رمزگشایی و حیازت دریافتی از شبکه تفسیر کرد. همچنین وی در باب معامله این ارزها به این نتیجه

رسیده است که امکان مراعات شرایط متعاقدین، عوضین و انشای معاطاتی تملیک وجود دارد و اشکالات مطرح شده درباره تجارت رمزارزها از جمله بیت‌کوین، همچون پول‌شویی و ایجاد حباب ارزی و غرری و ضرری بودن خرید آن، نمی‌تواند مبانی عدم مشروعیت تجارت رمزارزها باشد.

نواب‌پور (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت‌کوین)» و همچنین مقاله مستخرج از آن به بررسی فقهی حکم استفاده از پول‌های رمزنگاری شده، با استفاده از روش تحقیق «اجتهاد چندمرحله‌ای» پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد به طور کلی پول‌های رمزنگاری شده به دلیل تطابقشان با اصول ممنوعیت ربا، ممنوعیت ظلم، حفظ حقوق مالکیت و آزادی، در معاملات نسبت به نظام پولی جاری ارجحیت دارد؛ اما به طور خاص استفاده از یکی از مصادیق آن، به نام بیت‌کوین، به دلیل ویژگی‌های خاص آن جایز نیست.

سلیمانی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خویش تحت عنوان «بررسی فقهی پول مجازی» سعی کرده‌اند بر اساس ماهیت‌شناسی پول مجازی و تحلیل فقهی پول، بر پایه نظریه مال اعتباری بودن پول، احکام شرعی در خصوص پول مجازی را تبیین نمایند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد تنها ملاحظه پذیرش پول مجازی در نظم کنونی پول، سامان نظام دو پول حقیقی و مجازی در کنار یکدیگر است.

ابوبکر (۲۰۱۸) در تحقیق خود ابتدا به سیر تکاملی پول و رسیدن به پول‌های جدید یعنی ارزهای رمزنگاری شده، پرداخته، سپس مالکیت بیت‌کوین را مورد تحلیل فقهی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد مالیت بیت‌کوین مورد قبول اسلام است و از نظر ایشان، استفاده از آن حلال است.

مفتی فرازآدم (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیق بر روی پول و بیت‌کوین بر اساس قوانین اسلامی و اقتصاد» به بررسی این سؤال پرداخته که آیا بیت‌کوین را بر اساس قوانین اسلامی در حوزه پول می‌توان یک پول اسلامی به تمام معنا به شمار آورد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اکثر تحقیقات فقهی و اسلامی انجام شده در خصوص ارزهای مجازی، به بحث مبادله و خرید و فروش آنها پرداخته‌اند؛ ولی از نظر نگارندگان علی‌رغم تلاش‌های علمی قابل تقدیر مؤلفان، برخی اشکالات فقهی همچنان بدون پاسخ

اجتهادی مناسب باقی مانده که در این مقاله به آنها پرداخته می‌شود. این اشکالات عبارت‌اند از: ۱. نبود مالیت محض برای رمزارها؛ ۲. اصل مالیت داشتن رمزارها؛ ۳. اکل مال به باطل؛ ۴. صادرنشدن رمزارها از دولت؛ ۵. عدم عینیت رمزارها؛ ۶. انتفاع ذاتی رمزارها؛ ۷. عدم وجود قدرت مرکزی و واسطه‌ها؛ ۸. خطرپذیری معامله با رمزارها.

ریشه و تاریخچه رمز ارزها

گرچه ریشه و بنیان نظری ارزهای مجازی را باید در مکتب پولی اتریش و نحله متالیسم دنبال کرد، در مورد تاریخچه پیاده‌سازی پول و ارز مجازی‌ای که تحت نظارت و سلطه دولت‌ها نباشد، باید گفت تاریخچه پول‌های مجازی و دیجیتال به تحقیقات دیوید چام و استفان برنلدر در سال ۱۹۸۳ باز می‌گردد. افرادی چون آدم‌بک تأییدیه کار در شبکه و سازوکاری برای کنترل از طریق الگوریتم‌ها هش‌کش (Hashcash) را توسعه دادند تا آنکه وی دای پروتکل پول رمزگذاری شده را پیشنهاد کرد (بانک مرکزی اروپا (ECP)، ۲۰۱۲).

وی دای در سال ۱۹۹۸ به منظور تسهیل انجام امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها (بانک‌ها) و توسط افراد جامعه پیشنهاد نوعی جدید از پول الکترونیک را داد که از روش رمزگذاری رایانه‌ای برای کنترل تولید پول و معاملات بدون واسطه و مرجع مرکزی استفاده می‌کرد (Raskin, 2013).

بنا بر تعریف بانک مرکزی اروپا پول مجازی نوعی پول دیجیتال مقررات‌گذاری نشده است که به صورت معمول توسط توسعه‌دهندگان آن کنترل می‌شود و توسط اعضای یک جامعه مجازی خاص پذیرفته و استفاده می‌شود.

تعریف رمزارها

کلماتی مانند ارز دیجیتال، ارز مجازی، رمزار، ارز رمزپایه، ارز رمزنگاری شده یا حتی رمزینه پول که در کتاب‌ها، سایت‌ها، مقالات و کلیه منابع مرتبط، به چشم می‌خورد، در واقع برگردان انگلیسی یک کلمه است و یک مفهوم را می‌رساند، یعنی کریپتوکارنسی (Cryptocurrency) است. کریپتوکارنسی از جمع دو لغت «Crypto» به معنای رمزی، سری، پنهانی و «Currency» به معنای پول رایج و ارز ایجاد شده است و مجموع آن، یعنی پول یا ارزی که بر پایه علوم رمزنگاری شده ایجاد شده و می‌تواند با استفاده از علم ریاضیات، کدهای

رمزنگاری شده‌ای را ایجاد کند تا اطلاعات پنهان بماند و کسی نتواند در روند تولید، انتشار و انجام مبادلات خللی وارد آورد. البته تعابیر فوق‌الذکر با یکدیگر تفاوت‌های ظریفی دارد و به‌کاربردن آنها به جای هم نادرست است؛ لکن در نوشته‌ها غالباً تمام این عناوین و مصادیق در ذیل لغت کریپتوکارنسی به کار برده می‌شود. در تعبیر ارزهایی هستند که به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند. هر گونه پولی که بر مبنای صفر و یک باشد، در این تعریف می‌گنجد، اعم از اینکه مبنای آن پول سنتی و بانکی باشد یا ارزهای مجازی. لذا ارز دیجیتال مفهومی موسع دارد و کلیه ارزهایی را که غیر فیزیکی‌اند، در بر می‌گیرد (Wagner, 2014). ارز مجازی (Virtual currency) از این جهت که غیر ملموس است، نوعی ارز دیجیتال محسوب می‌شود و وجه تمایز آن این است که پول دیجیتال نماینده اسکناس‌های بانکی است که فقط سازوکار آن غیر فیزیکی شده است؛ در حالی که ارز مجازی هیچ گونه ارتباطی با پول بانکی نداشته، یک ارز جدید با سازوکار منحصر به فرد است (نواب‌پور، یوسفی و طالبی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۹).

در طول زمان تعداد پول‌های مجازی نیز در دنیا در حال افزایش است. هم‌اکنون بیش از ۳۰۰۰ رمزارز با ارزش تقریبی ۱۵۰۰ میلیارد دلار وجود دارد که تعداد و ارزش آنها در حال افزایش است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). ارزهای مجازی همچون بیت‌بال (Byteball)، لیت‌کوبین (Litcion)، مینور (Monerō) و... وجود دارد که با توجه به سیستم تولید و استخراجی که برای هر یک از آنها وجود دارد، در نهایت میزان تولید مشخص و محدودی دارد. برخی از آنها در ابتدا تولید و استخراج شده و تنها به عنوان یک نوع پروتکل بین‌بانکی از آنها برای تبادل ارزش استفاده و برخی نیز به مرور زمان استخراج و تولید می‌شود.

پول مجازی به دو دسته قابل تبدیل (Convertible) و غیرقابل تبدیل (Non Convertible) تقسیم می‌شود. پول‌های مجازی غیرقابل تبدیل به هیچ عنوان امکان تبدیل به پول‌های بانکی را ندارند؛ همانند پول‌هایی که در بازی‌های رایانه‌ای یا موبایلی کسب می‌شوند و فقط امکان خرج در همان بازی را دارند و اصطلاحاً به آنان «سکه بازی» (Coin Game) می‌گویند. این ارزها صرفاً به صورت متمرکزند (Centralized)؛ یعنی یک نهاد مرکزی به طور مثال سازنده بازی آن را انتشار می‌دهد، قانون‌گذاری می‌کند و دفتر کل را نزد خود نگاه می‌دارد که Gold-E معروف‌ترین مثال از این دسته می‌باشد؛ اما در مقابل پول مجازی قابل تبدیل امکان تبدیل

به پول‌های حقیقی و بالعکس را دارد و از آن برای خرید کالا و خدمات حقیقی و مجازی می‌توان بهره برد. این نوع پول‌ها رشدیافته‌ترین نمود از پول‌های مجازی است و بلوغ پول‌های مجازی را نشان می‌دهد (Chow, Guo, 2008).

این پول به دو دسته متمرکز و غیر متمرکز (Decentralized) تقسیم شده است. متمرکز بدین معناست که انتشار و کنترل ارز توسط یک نهاد مرکزی مانند وبمانی صورت می‌پذیرد. در مقابل پول مجازی غیر متمرکز به معنای انتشار و کنترل پول فارغ از کنترل و مدیریت نهاد مرکزی بوده، توسط کلیه افراد موجود در شبکه با به‌کارگیری علم رمزگذاری مدیریت می‌شود. به همین جهت به پول مجازی قابل تبدیل غیر متمرکز، پول رمزنگاری شده می‌گویند؛ چراکه کلیه فرایندهای آن از جمله ثبت و تأیید تراکنش‌ها به جای اینکه توسط نهاد مرکزی انجام گیرد، از طریق افراد و با سازوکار علوم ریاضی و رمزنگاری صورت می‌پذیرد؛ تأمین امنیت این شبکه پولی غیر متمرکز که فارغ از هر گونه نظارت و کنترل است، نیاز به یک سازوکار رمزنگاری شده دارد تا اعتماد افراد به آن جلب شود؛ به عبارت دیگر در سازوکار این پول نیاز به اعتماد به هیچ نهادی نیست و الگوریتم‌های ریاضی و رمزگذاری صحت معاملات را تأیید می‌کنند و هیچ کاربری نمی‌تواند در شبکه تغییر ایجاد نماید (Narayanan, et al. 2015).

می‌توان گفت یکی از انگیزه‌های اصلی اختراع این شبکه متمرکز، غیرپولی بودن آن است؛ چراکه این پول در پی نارضایتی از دخالت نهاد مرکزی و ناظر در سیستم اقتصادی پدید آمد. بدین جهت مخترعان این پول درصدد آن بودند تبادلات مالی به صورت فردفرد بدون دخالت هیچ نهاد واسطی انجام پذیرد که در این صورت هم هزینه مبادلات کاهش می‌یابد و هم سرعت انتقال افزایش پیدا می‌کند و مهم‌تر از همه کسی نمی‌تواند اقدام به چاپ بی‌رویه پول برای منافع خود نماید و ارزش پول را کاهش دهد. راه حل این مسئله اختراع یک پول غیر متمرکز بر پایه انتقال فردبه‌فرد و متن‌باز (Open Source) بود که تحت کنترل هیچ نهادی نباشد (Financial Action Task Force, 2014).

تبیین ماهیت رمزارزهای مجازی

در ورای همه ارزهای دیجیتال مفهومی وجود دارد به نام «DLT» که مخفف Distributed Ledger Technology است. این مفهوم به معنای «تکنولوژی دفتر کل توزیع شده» است. در حالت اثبات مالکیت از طریق قدرت مرکزی، بانک یک دفتر کل دارد که در آن دارایی افراد ثبت و ضبط شده است؛ ولی در تکنولوژی دفتر کل توزیع شده که در ارزهای دیجیتال حاکم است، هر کسی که درون شبکه وجود دارد، دارای یک دفتر کل است که در آن دارایی افراد ثبت شده است که در این روش غیر متمرکز، از دو مفهوم امضای دیجیتال و مفهوم الگوریتم «SHA256» که تابعی از توابع «HASH» (درهم‌ساز) است، برای صحت حقیقی و واقعی بودن یک تراکنش و انتقال مالکیت در مبدأ و مقصد استفاده می‌کنند.

در نظام بانکی بانک یک دفتر کل دارد که در آن دارایی افراد ثبت می‌شود؛ اما در رمزارزها هر فرد یک دفتر کل دارد که در آن دارایی افراد ثبت می‌گردد. وقتی فردی پیامی برای دیگری می‌فرستد، برای دزدیده و فاش نشدن از کلید عمومی و کلید خصوصی استفاده می‌کند. کلید عمومی شماره حساب و کلید خصوصی امضای مخصوص برای دسترسی به حساب است (Franco, 2014).

همچنین در این بستر اطلاعات تراکنش‌ها به وسیله بلاک‌چین (دفترچه یادداشت دیجیتال) نگه‌داری و به صورت غیرقابل تغییر بین نودها توزیع می‌شود. هر گاه فردی کوینی برای دیگری ارسال کند، نودها بلاک‌چین را ورق زده، موجودی فرستنده را به دست می‌آورند تا از تراکنش اطمینان یابند. بلاک‌چین از برگه‌هایی به نام بلاک تشکیل شده و درون آنها اطلاعات و داده‌ها قرار گرفته است. تراکنش در صورت عدم مغایرت با قوانین شبکه توسط نودها معتبر شناخته می‌شود و در محلی به نام مم‌پول (Mempool) منتظر می‌ماند تا فرایند تأیید شدن را طی کند. یک تراکنش می‌تواند توسط چندین استخراج‌کننده انتخاب شود و در بلاک آنها قرار گیرد (رستمی، ۱۴۰۰، ص ۲۳۳).

در ادامه جهت بررسی دقیق فقهی موضوع عناصر دخیل در تعریف رمزارزها، تأثیر آنها در حکم و اشکالات عمده وارد بر آنها را تحلیل و بررسی اجتهادی کرده‌ایم.

بررسی فقهی رمزارزها

عناصر دخیل در تعریف و تأثیر آنها در حکم

برخی عناصر مأخوذ در تعریف ارزهای دیجیتال سبب مناقشه‌های فقهی بین فقهای امامی و غیر امامی شده و برخی غیر شیعیان به حرمت آن فتوا داده‌اند. با توجه به ماهیت رمزارزها و تمرکز بر دو مؤلفه واحد مبادله بودن و هیئت الکترونیکی داشتن به مهم‌ترین مناقشه‌های فقهی معامله با آنها می‌پردازیم.

۱. واحد مبادله

همان‌گونه که بیان شد، به نظر می‌رسد نزد سازندگان رمزارزها، آنها از سنخ پول و بدل از اسکناس‌های کاغذی رایج می‌باشند. توجه به نام‌گذاری این ارزها به «عمله» در عربی و مترادفات آن در سایر زبان‌ها مانند «ارز» در زبان فارسی یا «Currency» در زبان انگلیسی، در نظر گرفتن تاریخ به وجود آمدن این ارزها و اموری که به عنوان انگیزه‌های اختراع آنها گفته می‌شود، می‌تواند شاهد این ادعا باشد.

دو انگیزه مهم اختراع رمزارز توسط بنیان‌گذاران آن را می‌توان از بین رفتن یا مضیق شدن سیطره دولت‌ها بر سیاست‌های پولی در حوزه داخلی و مدنی دانست که ممکن است منجر به کاهش ارزش پول یا ایجاد تورم و وسیله‌ای برای از بین رفتن فشارهای اقتصادی مانند تحریم‌های بانکی بر کشورهای مستقل شود.

همین نکته که رمزارزها پول باشند، سبب مناقشه‌ها و شبهات فقهی شده که آیا آنها خصوصیات معتبر در پول‌های شرعی را دارا هستند؟
به این شبهات یکی پس از دیگری می‌پردازیم:

۱-۱. نبود مالیت محض برای رمزارزها

از نظر برخی فقیهان شروط معتبر برای متصف شدن یک چیز به نقد و پول بودن این است که از اموری باشد که مالیت اشیای دیگر با آن اندازه‌گیری شود یا به تعبیر دیگر از اموال محض باشد؛ این در حالی است که به جهت عدم شیوع و رواج ارزهای دیجیتال به حدی که آنها را معیاری برای اندازه‌گیری اشیای دیگر قرار دهد، آنها هنوز این ویژگی را در بازارهای داخلی و خارجی پیدا نکرده‌اند؛ بلکه مسئله به عکس است و در بیشتر اوقات این

رمزارها هستند که با پول‌های رایج قیمت‌گذاری می‌شوند که در این صورت آنها بیشتر شبیه کالا هستند تا پولی که قرار است معیار قیمت‌گذاری باشد.

اولین ویژگی پول آن است که وسیله مبادله است؛ یعنی اگر کسی بخواهد چیزی را بخرد و منتقل به ملکش کند، وسیله رسمی این مبادله پول است (مدرسی یزدی، ۱۴۰۰). واضح است که تا شیوع نباشد، پول وسیله مبادله نخواهد بود. برخی از محققان عامه در این باره گفته‌اند: شیوع معامله با پول یک امر ضروری است تا آن پول بتواند وظایف اقتصادی خود را مثل ابزار تبادل بودن و به‌دست‌آوردن اشیا، نگاه‌داری از ارزش اموال و معیار قیمت‌گذاری اشیا را ادا کند؛ پس پولی که مثلاً مقبولیتش محدود باشد، همه اشیا یا غالب اشیا را با آن نمی‌شود به دست آورد. مقصود از شیوع معامله با پول، تداول آن داخل یک حکومت واحد است و شرط نیست که معامله با آن در همه مکان‌ها شیوع پیدا کرده باشد؛ پس همین اندازه که تعامل با آن شایع شده باشد و داخل کشور صادرکننده تداول پیدا کرده باشد، برای تحقق شرط شیوع معامله کافی است. بر این مطلب مترتب می‌شود که پول‌های محلی که داخل دولت صادرکننده متداول هستند، پول‌هایی هستند که از این جهت مقبول و معتبرند، اگرچه در کشورهای دیگر تداول با آنها مقبول نباشد یا اصلاً دارای قیمت و ارزش نباشند (زید، ۱۴۴۴ق).

آنچه این محقق بیان داشته که برای تحقق عنوان نقد و پول لازم است آن شیوع پیدا کرده باشد، تمام است؛ زیرا پول و معادل‌هایی مانند نقد و عمه^۱ مفاهیم عرفی‌اند نه شرعی و معلوم است که بر مالی که به آن رتبه‌ای از شناخت و شیوع در بین مردم نرسیده است که معیار قیمت‌گذاری برای سایر اشیا باشد، عنوان پول، نقد و عمه صدق نمی‌کند. به عبارت دیگر پول چیزی است که اجماع جامعه بر آن باشد که آن معیار قیمت‌گذاری و حفظ ارزش اموال قرار گیرد.

اما به نظر می‌رسد علم رغم مطلب گفته‌شده، از این ناحیه اشکالی بر معامله با رمزارها وجود ندارد. برای توضیح این مدعا لازم است به دو نکته اشاره شود.

^۱ وجه نام‌گذاری عمه آن است که عمه چیزی است که نوعاً با آن معامله می‌کنند.

نکته نخست: پول و نقد اگرچه موضوع عده‌ای از احکام شرعی مانند وجوب زکات نقدین، حرمت معاوضه آنها با تفاضل، اشتراط تقابض در مجلس در صحت بیع آنها، اشتراط صحت مضاربه به نقدبودن رأس‌المال و همچنین اینکه از اصناف دیه است، بسیاری از فقهای عظام این احکام را به‌خصوص نقدین رایج در زمان نبی اکرم ﷺ و ائمه طاهیرین ﷺ یعنی درهم و دینار اختصاص داده و آن را به سایر اقسام نقود مانند پول‌های ورقی رایج در امروز تعمیم نداده‌اند. در **تکمله عروه الوثقی** آمده است:

اسکناس شمرده‌شده از جنس غیر نقدین، قیمت معین خود را دارد و بر آن حکم نقدین بار نمی‌شود؛ پس جائز است بیع بعض از آن با بعض دیگر و بیع آن با نقدین همراه با تفاضل و همچنین حکم صرف بر آن که وجوب قبض در مجلس باشد، جاری نمی‌شود (سید یزدی، ۱۴۴۰).

در **منهاج الصالحین** سید حکیم آمده است: «حکم صرف بر پول‌های کاغذی مثل دینار عراقی و روپیه هندی و تومان ایرانی و دلار و پوند و مانند آن از اوراق که در این زمان به جای نقدین استعمال می‌شوند، جاری نمی‌شود؛ پس صحیح است بیع بعض از آن به بعض دیگر و اگرچه تقابض قبل از افتراق محقق نشود، کماینکه زکات نیز در آنها نیست» (طباطبایی الحکیم، ۱۳۳۸).

احوط جاری کردن حکم صرف بر پول‌های کاغذی است؛ پس دینار به تومان فقط همراه تقابض از دو طرف بیع می‌شود. البته از برخی فقهای عظام مانند شهید صدر میل به تعمیم ظاهر می‌شود: «احوط جاری کردن حکم صرف بر پول‌های کاغذی است؛ پس بیع دینار به تومان فقط همراه تقابض از دو طرف صورت می‌گیرد». همان طور که در جایی دیگر در بحث زکات نقدین بیان می‌کند:

در اینجا کلامی است که آیا زکات نقدین به‌خصوص آن چیزی که به نقود نام‌گذاری می‌شود، اختصاص پیدا می‌کند یا نه مقصود از نقدین در زکات هر چیزی است که تمحض در مالیت پیدا کند - یا به طبیعت خودش مانند نقود یا به عنایت آماده‌سازی‌اش برای تجارت مثل کالای تجاری - ولی شرط است در وجوبش که بر آن کالا طبق قول به وجوب یک سال بر کالا به عینش بگذرد (صدر، ۱۴۴۰ق).

برخی دیگر از فقها مانند مرحوم آیت‌الله هاشمی قایل به تفصیل شده‌اند. ایشان در باب زکات احتیاط کرده و بیان می‌کند: «در الحاق پول‌های کاغذی که امروزه برای معامله رایج‌اند، به تقدین در وجوب زکات، وجهی است که همراه با آن احتیاط ترک نمی‌شود و نصاب در آن نصاب طلا است» (طباطبایی الحکیم، ۱۳۳۸). این در حالی است که در باب صرف به همان فتوای مرحوم آیت‌الله حکیم (همان، ج ۲، ص ۷۰) و در باب دیه به الغای خصوصیت از درهم و دینار قایل شده است** (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق).

به هر حال در محل کلام، به نظر سه راه مقابل فقیه قرار دارد که به هر کدام از آنها و نتایجشان اشاره می‌شود:

۱. فقیه به عدم الغای خصوصیت از سکه طلا و نقره (دینار و درهم) به نحو مطلق قایل می‌شود. نتیجه این قول آن است که بین موصوف شدن رمازرها به پول و نقدیت عرفی و موصوف نشدن آنها فرقی نیست؛ زیرا مفروض آن است که از منظر فقیه احکام مزبور بر قسم خاصی از نقود که درهم و دینار معهود باشند، جاری می‌شود نه همه انواعش پس نقود رایج و رمازرها در اینکه احکام بر درهم و دینار بار نمی‌شود، مشترک‌اند.
۲. فقیه قایل می‌شود که درهم و دینار مذکور در نصوص تنها یک مثال برای نقد رایج در بین مردم هستند؛ پس چون خصوصیتی برای درهم و دینار قایل نیست، در این هنگام به بارشدن همه احکام مذکور بر آن چیزی که عنوان ذکر شده بر آن عرفاً صدق کند، فتوا می‌دهد. نتیجه این قول آن می‌شود که اگر احراز کرد که پول دیجیتال واقعاً پول است، مضاربه بر آن را جایز می‌شمارد، به وجوب زکات و حرمت بیعش با تفاضل و غیر آن از احکام فتوا می‌دهد.

با فرض شک در صدق عنوان بر آنها نیز در هر حکم به آن چیزی که مقتضای دلیل لفظی یا اصل عملی است، رجوع می‌کند که در هر مسئله متفاوت خواهد بود.

۳. فقیه در ترتب احکام تفصیل می‌دهد؛ به این نحو که در بعضی احکام شرعی قایل به معلومیت یا احتمال خصوصیت نقود مسکوک معهود یعنی دینار و درهم می‌شود و در

** مانند این فتوا فتوای دیگری در کلمات فقهای عظام وجود دارد که ما در صدد استقرای تام آنها نیستیم.

برخی دیگر از احکام شرعی خصوصیتی نمی‌بینند. نتیجه تفصیل با ملاحظه دو فرض گذشته روشن می‌شود.

از مجموع مطالب گفته شده در نکته نخست حاصل می‌شود که اگر کسی قایل شد که برخی از احکام مترتب بر مطلق نقود می‌شوند و اختصاصی به دینار و درهم ندارند و هم چنین نپذیرفت که رمزارزها از جمله پول‌ها و نقود باشند، این احکام را نمی‌تواند بر آن‌ها مترتب سازد؛ اما با توجه به نکته دوم که بیان می‌شود این مطلب ارتباطی به صحت معامله با آن‌ها ندارد.

نکته دوم: قیود مذکور در کلام محقق عامی، از جمله قید شیوع معامله، قید اتصاف شیء به نقدیت است نه ثمنیت؛ زیرا به لحاظ فقهی مسلم است که ثمن اگر مال باشد و قابل نقل، برای بیع کفایت می‌کند. حتی برخی فقها به عدم اشتراط مالیت برای ثمن قایل شده‌اند. پس به هیچ عنوان شیوع معامله با آن شیء برای ثمنیت معتبر نیست.*

امام خمینی علیه السلام بیان می‌کنند: «اما ثمن جایز است که منفعت باشد یا عملی باشد که مالیت دارد، بلکه جایز است حق قابل انتقال باشد؛ مانند حق تحجیر و اختصاص...» (خمینی، ۱۴۳۹ق). همچنین در خصوص حکم نسبت به اجرت بیان می‌کند: «جایز است که عین خارجی باشد یا کلی فی الذمه باشد یا عمل باشد و یا منفعت باشد یا حق قابل نقل باشد، مثل ثمن در بیع».

پس عدم اتصاف رمزارزها به نقدیت و پول‌بودن - بر فرض تسلیم‌شدن به آن - مانع از جواز قرارداد آنها به عنوان عوض در معاملات نخواهد شد. بلکه با توجه به مطالب مذکور روشن می‌شود که ثمن قرار دادن رمزارزها با فرض عدم مالیت آنها از نظر فقهایی مانند مرحوم امام خمینی بلااشکال است.

بله همان گونه که ذکر شد، مالیت در عوض معتبر است و آن در رمزارزها بدون شک محقق است. البته مالیت رمز ارزها نیز محل مناقشه و تشکیک از سوی برخی قرار گرفته است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

* اگرچه اکنون آنچه شایع است، مبیع قرارگرفتن رمزارزهاست نه ثمن‌شدن آنها، محل بحث آن است که در ثمن قرار گرفتن صرف مالیت برای شیء کافی است و لزومی به شیوع آن نیست؛ به عبارت دیگر در معامله لزومی ندارد که ثمن حتماً پول باشد، بلکه می‌تواند از اموال دیگر باشد.

۲-۱. اشکال بر مالیت رمزارزها*

بعد فراغ از پاسخ به این اشکال که رمزارزها ذاتاً مالیت ندارند، اشکال دیگری نیز مطرح می‌شود. مالیت هر شیء وابسته به نوعیت رغبت عقلایی به آن شیء است و این نحو رغبت در حال حاضر نسبت به پول‌های دیجیتال منتفی است. پول‌های رایج که اگرچه خودشان ذاتاً تنها یک کاغذند که منفعتی ندارند، به جهت اعتباری که دارند با واسطه می‌توانند نیازهایی را مرتفع کنند و از این حیث دارای منفعت شده و به تبع مورد رغبت عقلا قرار گرفته‌اند؛ اما رمزارزها این گونه نیستند و نهایت مورد رغبت بعضی از عقلاً می‌باشند و به راحتی نمی‌توان برای آنها مالیت قایل شد (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ص ۷۹). اما در این مطلب اشکالاتی وجود دارد:

اولاً در مالیت، عمومی بودن رغبت عقلاً معتبر نیست؛ بلکه وجود رغبت عقلایی شخصی نیز کافی است؛ یعنی اگر تنها رغبت شخصی وجود داشت که توجیه‌کننده عقلایی داشت نیز مال صدق می‌کند؛ مثلاً اگر وجود ورقه‌ای فرض شود که خطی روی آن وجود دارد و مشتری ببیند این خط پدر یا جد اوست و بخواهد آن را بخرد و به عنوان یادگاری از پدر یا جدش حفظ کند، در این صورت با اینکه به این ورقه کاغذ عموم عقلا رغبت و تمایلی ندارند، آن را مال می‌دانند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۸ق)؛ زیرا عقلاً آن شخص را تخطئه نمی‌کنند که برای به دست آوردن یادگاری از جدش هزینه کند، اگرچه خود آنها برای به دست آوردن آن شیء مالی را پرداخت نخواهند کرد.

توضیح بیشتر آنکه معنای عمومیت رغبت عقلاً این نیست که همه مردم یا حتی بیشتر مردم به آن شیء رغبت داشته باشند؛ زیرا التزام به چنین چیزی سبب خروج بسیاری از اشیائی که مالیتشان مسلم است، از مالیت خواهد بود؛ برای مثال بسیاری از غذاها و میوه‌های گران‌قیمت در برخی مناطق عالم وجود دارد که بسیار یا بخشی از مردم دیگر مناطق از آنها مشتمل می‌شوند یا بعضی از لباس‌ها و پوشش‌ها که برای برخی مردم پوشش مطلوب محسوب می‌شوند، برای برخی دیگر به جهت اعتقادات دینی و فرهنگی آنها اموری ناپسند

* در عنوان قبل از عدم لزوم مالیت محض برای رمزارزها بحث شد که مراد این بود که رمزارزها و سیله ارزش‌گذاری اشیا و تبادل مالی نشده‌اند یا به اصطلاح پول نیستند. در این اشکال بحث از اصل مالیت آنهاست.

شمرده می‌شوند؛ با این وصف کسی در صدق عنوان مالیت بر این گونه امور تردید نمی‌کند. پس به‌ناچار رغبت بعضی از مردم برای اتصاف به مالیت کفایت می‌کند.

ثانیاً فقدان مالیت - بر فرض تسلیم به آن - تنها زمانی مانع از صحت بیع است که بیع به مبادله مال به مال تعریف شود؛ ولی اگر نظر برخی فقها مانند امام خمینی پذیرفته شود که بیع را به گونه دیگر تعریف نموده، امر آسان خواهد شد (خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷).

۲۱ البته اگر فقیهی قوام بیع را هم به همین مالیت بداند، نهایت به عدم جواز بیع رمزارها قایل می‌شود نه عدم جواز مطلق هر عقدی با آنها و در این حال تمسک به عموم ادله امضا و معامله رمز ارزها در ضمن عقود دیگر به جز بیع ممکن است.

مؤید این مطلب آن است که شیخ انصاری در مکاسب در حالی که به استغراب ممنوعیت بیع زالو برای مکیدن خون بر مرحوم علامه حلی اشکال می‌کند، می‌فرماید: مانعی از التزام جواز بیع هر آن چیزی که برای او نفعی باشد، نیست و اگر شک شود در مثل مالیت در این اشیا که مستلزم شک در صدق عنوان بیع است، حکم به صحت معاوضه بر آن به جهت عمومات تجارت، صلح و عقود و هبه معاوضه و غیر از این عقدها ممکن است. همچنین مانعی نیز برای حکم به صحت نیست؛ زیرا مانع در این موارد تنها اکل مال به باطل است که مفروض عدم تحقق آن در مقام است (انصاری، ۱۳۳۸).

حاصل آنکه اگر مانند بسیاری از فقها شرط اتصاف مالیت اشیا را وجود رغبت عقلایی و ندرت نسبی بدانیم، بدون شک رمزارها مال خواهند بود؛ زیرا رغبت عقلا به آنها به جهت منافع حلالی که دارد - همان طور که در مقدمه بیان شد - با حکم وجدان ثابت و ندرت در رمزارها هم به جهت سختی به‌دست‌آوردن این پول دیجیتال در فضای مجازی و سقفی که برنامه‌ریزان برای آن مشخص می‌کنند، موجود است و با چشم‌پوشی از این مطلب امکان تصحیح معاوضه رمزارها با عناوین دیگر نیز وجود دارد.

۳-۱. اشکال اکل مال به باطل

از مطالبی که بیان کردیم، خدشه بر اشکالی که در برخی السنه رایج شده است که معامله با رمزارها اکل مال به باطل است، ظاهر می‌شود. اگر مراد از این اشکال آن است که از آنجا که رمزارها متصف به مالیت نیستند، اکل مال به ازای آنها اکل مال به باطل است که معلوم

شد عرفاً بر رمزارزها مال صدق می‌کند، بلکه مطلق قابلیت انتفاع حلال از چیزی - همان گونه که از کلام شیخ انصاری به دست آمد - آن شیء را از عنوان باطل خارج می‌سازد؛ حتی اگر عنوان مال بر آن صدق نکند و گمان نمی‌رود که انتفاع از رمزارزها وضع بدتری از زالو و کرم داشته باشد. با این حال همان طور که بیان شد منافی همچون تسریع نقل و انتقال ارز در سراسر جهان، غیر قابل شناسایی بودن طرفین مبادله، خاصیت ضدتورمی داشتن و کارمزد پایین را می‌توان از جمله مهم‌ترین منافع رمزارزها دانست.

البته پذیرفتنی است که مالیت رمزارزها ذاتی نیست؛ به این معنا که هیچ حاجتی از حوایج انسان را بدون واسطه برآورده نمی‌سازد؛ بلکه اتصافش به مالیت به جهت آن است که واسطه برای به‌دست‌آوردن اموال دیگری است که آن اموال دیگر بالذات مطلوب می‌باشند. یا به تعبیر دیگر شبیه به واسطه‌هایی مانند اسکناس‌ها کاغذی است، اما این تفاوت سبب نمی‌شود که معاوضه مصداق اکل مال به باطل باشد. اگر این امر سبب بطلان معامله باشد، واضح است که معامله بر پول‌های کاغذی مثل دلار و پوند و ریال نیز مصادیق اکل مال به باطل می‌شوند و بطلان چنین قولی واضح است.*

باید متذکر شد که تمام مطالبی که گفته شد بر فرض آن است که مراد از حرف باء در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نسا: ۲۹) بای مقابله باشد؛ ولی اگر فقیهی مانند مرحوم آیت‌الله خوئی استظهارش از آیه شریفه این بود که «با»ی سببیت است (خویی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)، امر آسان‌تر است؛ زیرا سبب در معامله با رمزارزها همان گونه که به عیان واضح است، تجارت از روی تراضی است که از نهي در آیه مستثنا شده است.

۴-۱. اشکال صادر نشدن رمزارزها از سوی دولت

جمهور فقهای عامه به انحصار حق صادر کردن پول به وسیله دولت و حکومت میل کرده و گاهی از این ناحیه بر پول بودن رمز ارزها اشکال نموده‌اند. شافعیه، حنابله، ابو یوسف از حنفیه قایل به این امر شده‌اند که ضرب، تولید و صادر کردن نقود و پول از غیر حاکم جایز

* هر چند رمزارزها و ارزهای رایج از جهات دیگری مانند همین رواج داشتن یا نداشتن متفاوت باشند، همان گونه که روشن است، از جهت مالیت ذاتی یا عدم آن تفاوتی ندارند؛ زیرا هیچ کدام ذاتاً منفعتی برای انسان ندارند، بلکه واسطه برای تأمین کالاهایی هستند که آنها دارای منفعت‌اند.

نیست؛ زیرا چنین کاری استبداد و حمله علیه حاکم است، بلکه امام حق دارد هر کسی را که چنین کاری انجام دهد، تعزیر کند. فرقی هم ندارد آنچه ضرب شده است موافق یا مخالف ضرب سلطان در وزن و کیفیت باشد و اگرچه از طلا و نقره خالص باشد. در مقابل/بوحنیفه و ثوری به این قول قایل شده‌اند که هر کس که سکه مسلمانان را ضرب کند و این ضرب سکه او طبق همان ضرب سکه‌هایی باشد که بین مسلمانان وجود دارد که سبب نشود ضرری متوجه اسلام و مسلمین شود، در این صورت مشروط به آنکه سکه‌های طلا و نقره طبق همان ویژگی‌ها و وزن‌هایی که دولت ضرب می‌کند باشد، مانعی از آن نیست (عبدالمسبح و محمد، ۱۴۲۰ق). در کتاب الموسوعة الفقهية الكويتية این گونه آمده است:

حق صادرکردن نقود و تولیدکردن پول صرفاً برای امام است و بر او واجب است که فردی را که این وظیفه را انجام می‌دهد، مشخص کند تا فرق سکه خالص از سکه تقلبی در معاملات مشخص شود و مسلمین از غش در معامله در امان باشند که این به وسیله مهر سلطان بر سکه و علامت معروف بر سکه است و باید به معیار مشخص و وزن مشخص باشد تا معامله با آن به صورت عددی ممکن شود؛ کماینکه در دوره عبدالملک بن مروان همین اتفاق افتاد و جایز نیست برای غیر امام ضرب سکه؛ زیرا که در این کار استبداد علیه امام و حمله علیه امام است (وزاره الاوقاف و شئون الاسلامیه، ۱۴۰۴ق).

به نظر می‌رسد تنها دلیل فقهای عامه یا احیاناً برخی اندیشمندان شیعه برای اثبات این انحصار با توجه به استدلال‌هایی که برای این مطلب ذکر کرده‌اند، جلوگیری از هرج و مرج و دفع فساد ناشی از غش و تزویر در جامعه است و مراد این نیست که پول‌بودن پول با آن معنای اقتصادی و عرفی که دارد بر حکم دولت و حکومت متوقف باشد. از نظر تاریخی نیز این مطلب معروف است که مسلمانان تا زمان عبدالملک مروان با سکه‌ها و نقودی که در سایر کشورها ساخته شده بود، معامله می‌کردند و او اولین شخصی بود که سکه اسلامی را ضرب کرد (شهیدی، ۱۴۰۰، ص ۱۳). پس اگر کسی قایل به بطلان معامله با رمزارها به جهت عدم ساخت آنها از سوی دولت و حکومت باشد، باید به بطلان معاملات سابقه که با سکه‌هایی که در دولت اسلامی ضرب نشده بود، انجام گرفته نیز ملتزم باشد و گمان نمی‌رود به چنین فتوایی ملتزم باشند.

بعضی از معاصرین عامه به این حقیقت معترف شده‌اند: ... این مطلب متمثل شده است در قایل شدن بعض از فقها به حصر مفهوم نقد در نقودی که اراده حکومت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آنها را به وجود آورده است و به این ترتیب مفهوم نقد را در نوع خاصی که مصدر و منبع آن اراده حکومتی باشد، اختصاص داده‌اند؛ در حالی که این نوع تنها یکی از انواع نقود است و هر پولی به این نحو نیست؛ بلکه این نوع نقد آن چیزی است که به اسکناس کاغذی یا پول رسمی شمرده می‌شوند. اما انواع دیگری از پول وجود دارد که از اراده سلطان و حاکم ناشی نمی‌شود؛ کمالینکه در خصوص طلا و نقره نیز که اهم انواع نقودند، پول بودن و نقدیت آنها متوقف بر اراده سلطانی یا تفویض از سمت او نیست؛ زیرا مستند و دلیل توانایی دینار و درهم آن قیمت ذاتی آنهاست و در کنار این دو نقد نقود دیگری هم وجود دارد؛ مثل پول‌های الکترونیکی یا مجازی یا پول‌های رمزگذاری شده و مستند توانایی این پول‌ها رواج و قبولشان از سمت مردم است که به عنوان یک واسطه از آن برای مبادلات استفاده می‌کنند (مصطفی سائو، ۱۴۳۵ق).

پس نقدیت مرهون تولید حکومتی نیست. بله ولی امر مسلمین این حق را دارد که معامله با چنین پول‌هایی را محدود و بلکه ممنوع کند یا اینکه آنها را از یک جهت مشخص طبق آن چیزی که از مصالح امت می‌بیند، حصر کند؛ اما همان گونه که واضح است، این بحث غیرمرتبط به حقیقت نقدیت آنها و حکم اولی معامله با آنهاست.

این عمده اشکالاتی بود که حول قید وحدت مبادله در تعریف شکل گرفته بود. به نظر تمام این اشکالات قابل دفع باشد. تنها اشکال وارد بر نقدیت و پول بودن این رمازرها از حیث شیوع و عدم رواج آنها به نحوی بود که کالاها را به این طریق قیمت گذاری کنند که تنها ثمره آن مترتب نکردن آثار شرعی مطلق عنوان نقد بر رمازرهاست که ثمره زیادی نیست.

۲. هیئت الکترونیکی

همان گونه که در تعریف ذکر شد، رمازرها در خارج وجود نداشته، مجرد یک اعداد و نشانه‌هایی هستند که بر مانیتور وسایل الکترونیکی ظاهر می‌شوند و از این جهت اشکالات فقهی که به این ویژگی از رمز ارزها برمی‌گردد، به وجود آمده است.

۱-۲. اشکال عدم عینیت

مشهور فقها در مبيع عین بودن را شرط دانسته‌اند. در مکاسب شیخ/انصاری آمده است: «ظاهر ادله آن است که شرط عین بودن مختص به مبيع و معوض است؛ پس بیع جایی را که منافع با غیر منافع جابه‌جا می‌شوند، شامل نمی‌شود و بر این مطلب قول فقها بر بیع مستقر شده است» (انصاری، ۱۳۳۸). در تقریرات محقق نایینی آمده است:

۲۵

بدان که در عوضین اموری معتبر شده است که به لحاظ مفهومی مقومات بیع هستند؛ به گونه‌ای که بیع عرفاً صدق نمی‌کند، الا با وجود این مقومات. اما در معوض این اعتبار شده است که عین باشد در مقابل منفعت و حق و دلیل اعتبار این شرط آن است که بیع عرفاً بر نقل غیر عین صدق نمی‌کند (نایینی، ۱۴۳۸ق، ج ۱، ص ۸۸).

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / بررسی فقهی رمز ارزها با تمرکز بر اشکالات

برخی فقها مانند حضرت امام در این مطلب با مشهور مخالفت کرده‌اند. مرحوم امام می‌فرمایند: فقها گفته‌اند در اینکه مبيع باید عین باشد، اشکال و اختلافی نیست؛ پس بیع شامل بیع منافع و حقوق نمی‌شود. ای بسا آنها تمسک کرده باشند به انصراف ادله به آن چیزی که در خارج رواج دارد یا شک در شمول ادله مطلق برای غیر بیع اعیان (خمینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۷).

آنچه در مقام مهم است، تحصیل معنای عرفی بیع است، چه به لحاظ شرعی صحیح باشد و چه نباشد؛ نه آن چیزی که به لحاظ شرعی مؤثر است، وگرنه لازم می‌آید موضوع را به هر آن چیزی که در مؤثریت شرعی معتبر است، مقید کرد. با توجه به این مطلب روشن می‌شود که تمسک به اجماع یا تسالم اصحاب و عدم اختلاف آنها یا انصراف ادله یا شک در اطلاق ادله هیچ کدام موجه نیست؛ زیرا همه این ادله بیگانه از مقصود ما در این مقام است؛ الا اینکه برای به دست آوردن معنای عرفی بیع به اتفاق اصحاب تمسک بشود و ضعف آن همان گونه است که می‌بینید؛ زیرا فقها در صدد بیان تفاوت بین بیع و اجاره مؤثر شرعی بوده‌اند. حداقل این احتمال وجود دارد؛ پس کشف معنای عرفی بیع از اتفاق آنها امکان ندارد (خمینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۲). بله ممکن است به تبادل عرفی و صحت سلب بیع از تملیک منفعت به عوض تمسک شود.

در این مطلب اشکال می‌شود که تبادل ممنوع است؛ زیرا تبادری که از غلبه وجودی ناشی شده باشد، غیر مفید است.

اما صحت سلب اگر رجوعش به همان تبادل باشد - همان گونه که در محل خودش تحقیق شده - آن نیز ممنوع است؛ زیرا بیع نزد عقلا و عرف در موارد بیع غیر اعیان نیز تعارف و رواج دارد. همان گونه که بین کشاورزان رایج است که آثار عمل خود را در زمین، مثل شیارکردن، جدول کردن و صاف کردن زمین و مثل آن را بفروشند؛ مثلاً زمانی که بخواهند دانه بکارند، گمان نمی‌کنم کسی از عقلا در صدق بیع بر این موارد تردید کرده باشد (همان). در زمان ما همچنین بیع حق عقلایی یا اعتبار نیز تعارف و رواج پیدا کرده است. اعتباری که برای مغازه یا دکان عقلا خیال کرده و اسم آن را سرقفلی قرار می‌دهند یا حق آب یا گل که آنها را می‌فروشند و گمان نمی‌کنم کسی از عقلا اینها را غیر از بیع حساب کند و در صدق مفهوم بیع بر آنها شبهه‌ای نیست.

مرحوم امام به درستی این مطالب را بیان کردند. معلوم است که مراد از عینی که در تعریف مشهور اخذ شده، جسم خارجی نیست؛ زیرا صحت بیع کلی به همه اقسام آن از کلی فی الذمه و کلی فی المعین یا مشاع ضروری است؛ بلکه مراد از عین - آن گونه که در کلمات برخی فقها به این مطلب تصریح شده - آن چیزی است که مقابل منفعت و حق قرار بگیرد؛ پس اخذ این قید نشان می‌دهد مراد فقها آن بوده که معاوضه بر حق و منفعت را از شمول بیع موضوعاً و حکماً خارج کنند و نشان دهند سنخ معاوضه بر منفعت و حق غیر از سنخ معاوضه بیعی است. معاوضه بر حق و منفعت یا اسقاط است یا اجاره (همان، ج ۱، ص ۳۱).

اما اینکه شیء ولو در نهایت امر از اجسام خارجی باشد - همان گونه که در بیع کلی وجود دارد - در صدق عرفی کلمه بیع دخیل نیست. بر این مطلب وجدان لغوی و عرفی شهادت می‌دهد؛ چراکه نزد عرف صدق عنوان بیع بدون هیچ مجازگویی در بیع مثل کتب الکترونیکی یا برنامه‌ای که هیچ ظرفی الا فضای مجازی ندارد، واضح است. رمزارزها از همین قبیل‌اند و عدم وجود آنها در خارج صلاحیت مانع شدن از معاوضه بر آنها را ندارد.

۲-۲. اشکال منتفی بودن انتفاع ذاتی

ممکن است بر تشبیهی که ذکر شد، به این نحو اشکال شود که کتب الکترونیکی و برنامه‌های دیگر دارای منافع ذاتی‌اند؛ به نحوی که این منافع ذاتی این کتب و برنامه‌ها را

به‌مانند یک کالا خارجی قرار می‌دهند، به خلاف رمزارزها که آنها کالا نیستند؛ زیرا فرض شده که غرض آنها منحصر در تبادل باشد.

بر این مطلب این گونه اشکال وارد می‌شود: اگر این اشکال بر رمز ارزها وارد باشد، دقیقاً بر همه ارزهای کاغذی مانند دلار و پوند نیز با وجود آنکه بیع آنها به لحاظ فقهی اتفاقی است، وارد می‌شود. پس نفی منفعت ذاتی صلاحیت آن را ندارد که مانع از معاوضه شود. از مطلبی که ذکر کردیم، اشکال در فتوای هیئت عمومی شئون اسلامی و اوقاف امارات (فتوی شماره ۸۹۰۴۳) مشخص می‌شود. نص فتوا عبارت است از:

بیت‌کوین یک پول رمزنگاری شده است که معیارهای شرعی در آن فراهم نیست. این معیارها بیت‌کوین را شبیه پولی که حکم معامله با پول‌های قانونی رسمی معتبر به لحاظ حکومتی را بتوان بر آنها بار کرد، قرار نمی‌دهد. همان گونه که در بیت‌کوین ضوابط شرعی که آن را به عنوان کالایی که قابل معامله پایای هم باشد نیز وجود ندارد (www.awqaf.gov.ae).

علاوه بر اشکال در این مطلب، نکته دیگر آن است که -بر فرض پذیرش اشکال، همان گونه که گذشت- بیع تنها طریق برای معاوضه نیست (انصاری، ۱۳۳۸، ص ۱۵۸).

۲-۳. عدم وجود قدرت مرکزی و واسطه‌ها (نظام هم‌تا به هم‌تا)

از مهم‌ترین اشکالاتی که حول رمزارزها مطرح شده، این است که برای رمز ارزها حسابی نزد بانک مرکزی وجود ندارد و حکومت‌ها بر خلاف سایر نقود دیگر هیچ ضمانتی نسبت به آنها ندارند؛ پس این ارزها شرعیت خود را از این ناحیه از دست می‌دهند.

یکی از علمای اهل سنت در این خصوص بیان می‌دارد: «رمزارزها "عمله" به معنای حقیقی آن که شروط "عمله" در آن وجود داشته باشد، به این نحو که این گونه نیستند که واسطه برای معامله، مقبول برای همه و مورد حمایت دولت باشند»

(دکتر علی قره‌داغی: <http://mubasher.aljazeera.net>).

اشکال این مطلب آن است که اگرچه پول‌های کاغذی سابقاً سندی بر مقدار طلا و نقره بوده‌اند و طی سالیان طولانی بر مقدار مصرف دولت‌ها ضمانت می‌کردند، اما الان بعد از آنکه در دهه ۷۰ از قرن گذشته از سوی یکی از دولت‌ها و به تبع دولت‌های دیگر این ضمانت از بین رفته است و آنها نیز به اموال مستقلی تبدیل شده‌اند که ارتباطی به پشتوانه مقدار طلا و

نقره ندارد؛ بلکه حتی قبلاً هم که پول به اندازه طلا و نقره بوده و از سوی دولت‌ها ضمانت داشته است، همان گونه که سید صاحب عروه فرموده است، این ضمان حیثیت تعلیلیه برای متصف شدن نقود به مالیت بوده نه حیثیت تقییدیه آن.* پس پول‌های کاغذی در زمان ما از قبیل سند بر دین نیستند؛ زیرا واضح است که با پرداختن این پول‌ها به داین، مدیون بری‌الذمه می‌شود و اگر در دست مدیون بعد از اینکه داین به او ادا کرد، تلف شود در این مطلب اثری نمی‌گذارد. بر خلاف چک که از ذمه مدیون بری نمی‌شود، آلا بعد از اینکه به پول تبدیل شود؛ پس اگر قبل از اینکه مدیون آن را به داین تحویل بدهد، این چک گم شود، همچنان مطالبه برای داین محفوظ است.

برای قوام ماهیت پول چهار عامل را برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: وسیله مبادله بودن؛ وسیله ذخیره‌سازی ارزش؛ وسیله ابرای ذمه در غیر مثلیات و وسیله ارزش‌گذاری اشیا (مدرسی یزدی، ۱۴۰۰) که به نظر در ارتکاز عقلا تنها دو ویژگی اول و چهارم یعنی وسیله مبادله بودن و وسیله ارزش‌گذاری اشیا برای اتصاف شیئی به پول بودن کفایت کند که در این صورت جمع‌بندی کلام آن خواهد بود که پول‌ها در زمان ما مالیتشان را از پشتیبانی دولت به‌تنهایی نمی‌گیرند؛ بلکه مالیت آنها از رغبت عقلایی است که از توان معاملاتی و مبادله‌ای پول‌ها ناشی شده است؛ یعنی پول در حقیقت امری است که در یک جامعه بر آن اجماع شده است که واسطه در معاملات و ملاک ارزش‌گذاری مالی اموال شود؛ حال چه این اجماع به جهت قدرت سیاسی به وجود آمده باشد و چه عامل دیگری داشته باشد.

بله دولت می‌تواند بر مالیت پول‌ها با توجه به رفتار و سیاستی که اتخاذ می‌کند، طبق آنچه مصلحت می‌بیند یا مفسده‌ای را که می‌خواهد دفع کند، اثرگذار باشد و گاهی اوقات تصمیم یک دولت یک مال را از اساس ساقط می‌کند؛ کما اینکه چنین مسائلی بر اثر وقوع انقلاب‌ها

* حیثیت تقییدی مقابل حیثیت تعلیلی عبارت است از آنچه موضوع حکم را مقید می‌کند؛ در نتیجه دایره موضوع محدود به آن می‌شود؛ بلکه درحقیقت حیثیت تقییدی، موضوع حکم است و در نتیجه بقای حکم منوط به بقای آن می‌باشد؛ مانند حقی که برای عنوان «عالم» قرار داده شده است. در اینجا عنوان «عالم» برای صاحب حق، حیثیت تقییدی به شمار می‌رود و موضوع آن، حق می‌باشد. در نتیجه با زوال آن عنوان، این حق نیز زایل می‌شود. بر خلاف حیثیت تعلیلی که موضوع حکم را مقید نمی‌کند؛ بلکه علت و واسطه ثبوت حکم برای موضوع است؛ از این رو بقای حکم بسته به بقای آن نیست (ویکی فقه). در محل بحث ما مراد آن است که اگرچه ضمان سبب مالیت باشد، اگر مالیت به آن مقید نبوده باشد، با ازبین رفتن ضمان، مالیت از بین نمی‌رود.

و تطورات ریشه‌ای سیاسی و اقتصادی اتفاق می‌افتد؛ ولی آن مطلبی غیر از آن چیزی است که مدعی آن را ادعا کرده است.

۴-۲. خطر عمل به واسطه وسایل الکترونیکی

بسیاری اوقات بر معامله با رمزارزها این گونه اشکال می‌شود که این‌ها تنها در فضای مجازی واقع می‌شوند؛ لذا در معرض خطرهای بسیار و مفسد عظیمی مانند هک و رمزگشایی، پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و مانند آن قرار می‌گیرند. در فتوایی که دکتر شوقی مفتی مصری صادر کرده، آمده است:

همانا معامله با این رمزارزها از طریق بیع یا خریدن و نگاه داشتن آنها نیاز به امنیت در رمزگذاری در سطح بسیار بالایی دارد؛ در حالی که عملیات «بک‌آپ» گرفتن از آنها برای نگاه داشتن اطلاعات در مقابله با هک کردن یا حمله‌های الکترونیکی که برای رمزارزها اتفاق می‌افتد و نگاه داشتن آنها از گم شدن یا در معرض عملیات دزدی به جهت اصابت با ویروس‌های خطرناک قرارگرفتن بسیار دشوار است. مجموع این امور رمزارز را آن گونه که در خصوص پول‌های رسمی شرط است که رواج بین عامه و خاصه داشته باشد، به عنوان پولی که برای عموم مردم استفاده از آن و تبادل در بین مردم آسان باشد، قرار نمی‌دهد (www.gate.ahram.org.eg).

سرانجام نظامی که فعالیت‌های مرتبط با این رمزارزها را سامان می‌دهد، سبب می‌شود رمزارز وسیله راحتی برای مواردی که مالیت آنها مستقر و امن برای مجموعه‌های تروریستی و مجرمانه است، قرار گیرد؛ همچنین تسهیل تأمین مالی اقدامات ممنوعه و انجام معاملات ممنوعه مثل فروش اسلحه و مواد مخدر و برده‌برداری و استفاده از افرادی که مساعد برای ضربه‌زدن به جامعه‌اند. این مسائل از این جهت پیش می‌آید که رمزارز یک نظام بسته‌ای دارد و لذا تحت کنترل آمدن آن برای سایر سیستم‌ها امری دشوار است. سایر فعالیت‌هایی نیز که از خلال بانک‌های عادی در خصوص پول‌هایی که مورد اعتماد دولت است، صورت می‌گیرد نمی‌توانند درباره رمزارزها کاری را انجام دهند. با توجه به این مسائل و اینکه معاملات با آنها شامل بر غرر و ضرر که در دشوارترین صورت‌های خود می‌باشد، معامله با چنین رمزارزهایی خطرهای شدیدی دارد. غرر - همان گونه که علامه بجیرمی در حاشیه بر اقتناع

این گونه تعریف کرده است - آن چیزی است که عاقبتش پنهان یا مردد بین دو امر باشد که احتمال بیشتر، طرف ناخوشایند و ترسناک باشد.

بر این مطلب این گونه اشکال می‌شود که فناوری رمزارزها که به زنجیره بلوکی معروف است - حسب آن چیزی که اهل خبره از آن خبر می‌دهند - از روش‌های بسیار پیشرفته‌ای است که سلامت مبادلات را از هک کردن و حملات ویروسی در امان می‌دارد. بلکه ادعا می‌شود این روش یک انقلاب علمی مهم در حد اختراع رایانه و اینترنت است. البته این مباحث موضوعی است که به اهل خودش واگذار می‌شود. پس با چشم‌پوشی از این مباحث می‌گوییم که هیچ یک از اموری که بیان شد، صلاحیت اثبات عدم مشروعیت مبادله با رمزارزها را ندارد؛ زیرا واضح است سایر اموال، مثل پول‌های کاغذی هم در معرض سرقت و غارت و نوسان‌های ناشی از تغییرات بازاری‌اند. علاوه بر این اگر غرر به آن معنایی باشد که این عالم تفسیر کرده، باید حکم به بطلان بسیاری از معاملات امروزی کرد. غرر تنها مخاطره همراه با جهل به عوض در بیع یا مطلق در معاوضات می‌باشد و این در حالی است که ویژگی‌ها و قیمت رمزارزها در هنگام معامله معلوم است. مخاطراتی که بعداً مطرح می‌شود، دخلی در صحت معامله با آنها ندارد.

آنچه بیان شد، عمده مسائلی است که درباره رمزارزها گفته شده یا ممکن است گفته شود؛ اما در نسبت با فرایند استخراج هم شبهه جدی وجود ندارد که آن را در معرض ممنوعیت قرار دهد؛ زیرا عملیات استخراج شبیه به جعله یا خود جعله است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱ق، ص ۸۶).

البته روشن است که ولی فقیه این حق را دارد که تعامل با رمزارزها را اگر مصلحت ببیند، محدود یا ممنوع کند؛ ولی این مطلب خارج از بحث اصلی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی می‌توان گفت مجموع اشکالات وارد بر معامله با رمزارزها را ذیل دو دسته کلی اشکالات وارد بر واحد مبادله‌ای بودن رمزارزها و اشکالات وارد بر هیئت الکترونیکی سامان داده شدند. در دسته اول محور اصلی بحث اثبات مالیت آنها به جهت وجود رغبت عقلایی و ندرت نسبی رمزارزها می‌باشد که بعد از اثبات مالیت رمزارزها جواز بیع و معامله

با آنها اثبات می‌شود؛ لذا اشکال وارد بر مالیت رمزارزها و اشکال اکل مال به باطل، با اثبات مالیت رمزارزها این دو اشکال پاسخ داده می‌شود. در خصوص اشکال به اینکه رمزارزها از نقود محسوب نمی‌شود هم پاسخ داده شد که اگر هم کسی قایل شود که رمزارزها پول نیستند، اشکالی از این ناحیه بر معامله با رمزارزها وارد نمی‌شود. در پاسخ به اشکال چهارم نیز گفته شد که صادرنشدن رمزارزها از سوی دولت سبب بطلان معامله با آنها نمی‌شود؛ چون دلیلی که فقهای عامه اقامه کرده‌اند که عبارت از لزوم جلوگیری از هرج و مرج باشد، نمی‌تواند مانع از بطلان این معاملات شود، مگر در صورتی که ولی فقیه از معامله با آنها جلوگیری نماید.

در دسته دوم از اشکالات نیز گفته شد که هیئت الکترونیکی رمزارزها منافی عینیت داشتن آنها نیست؛ زیرا مراد از عینیت، وجود خارجی نیست؛ همان گونه که نداشتن انتفاع ذاتی مانع از صحت معاوضه نیست؛ زیرا اگر این اشکال وارد باشد، بر سایر نقود نیز مترتب است که مسلم است چنین لازمه‌ای باطل است؛ همچنان‌که نبود پشتوانه دولتی نیز اختلالی به صحت معاوضه وارد نمی‌سازد؛ به این جهت که پشتوانه دولتی داشتن در مقومات مالیت فی حد نفسه دخیل نیست. همچنان‌که واضح است میزان خطری که در این معاملات وجود دارد، بیشتر از خطر در نقود رایج نیست تا موجب بطلان شود.

در پایان شایان ذکر است تمامی مطالب مذکور در صدد تصحیح معامله با رمزارزها به عنوان حکم اولی است و اگر استفاده از آنها مفاسدی داشته باشد که ولی فقیه استفاده از آن را صلاح نبیند، معامله با آنها جایز نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- ۱. زید، عبدالعظیم؛ «هل تعترف الشريعة بتمنيّة العملات الرقمية المشفرة»، مجلة إسرأ الدولية للمالية الإسلامية، ۱۴۴۴ق.
- ۲. انصاری، مرتضی؛ مکاسب؛ قم: مجمع الفکر السلامی، ۱۳۳۸.
- ۳. آذری، سکینه، روح‌الله افضلی گروه و میثم تارم؛ «بررسی احکام فقهی ارز مجازی: مطالعه موردی بیت‌کوین»؛ مطالعات فقه اقتصادی، ش ۴، ۱۴۰۰، ص ۱۰۱-۱۲۳.

۴. جدیدیان، انسیه؛ « بررسی ماهیت فقهی و حقوقی بیت‌کوین »؛ فصلنامه مطالعات نوین بانکی، دوره چهارم، ش ۱۱، ۱۴۰۰، ص ۶۵-۷۴.
۵. خادمان، محمود، ابوطالب کوشا و فاطمه نوری؛ « شناسایی ماهیت حقوقی رمز ارزها با تحلیل ساختاری آنها در نظام حقوقی ایران »؛ مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، ش ۱۱۱، ۱۴۰۰.
۶. خمینی، سیدروح‌الله؛ **تحریر الوسیله**؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۳۹ق.
۷. —؛ **کتاب البیع**؛ ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
۸. رجبی، ابوالقاسم؛ « فناوری دفاتر کل توزیع‌شده فراتر از فناوری زنجیره بلوکی »؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷.
۹. رستمی، محمدزمان و محمدهادی رستمی؛ « تحلیل ماهیت آثار و چالش‌های اقتصادی و فقهی بیت‌کوین »؛ **معرفت اقتصاد اسلامی**، ش ۲۴، ۱۴۰۰، ص ۲۳۱-۲۵۰.
۱۰. شهیدی، محمدتقی؛ **فقه پول**؛ قم: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۰.
۱۱. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم؛ **تکملة العروة الوثقی**؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۴۰.
۱۲. صدر، سیدمحمدباقر؛ **منهاج الصالحین (المحشی)**؛ ج ۱، قم: انتشارات دارالصدر، ۱۴۴۰ق.
۱۳. طباطبایی الحکیم، سید محسن؛ **منهاج الصالحین**؛ قم: دار الرساله، ۱۳۳۸.
۱۴. عبدالسمیع، محمد و ابراهیم محمد؛ « النقود الالکترونیة أحكام فقهیة و آثار اقتصادیة دراسة مقارنة »؛ **مجله کلیة الشریعة و القانون**، ۱۴۲۰ق.
۱۵. محمدی، احمد، جواد سلطانی فرد، حسین رنجبر و محمداسماعیل پهلوانی؛ « انطباق سنجی استخراج رمزارزها با جعاله »؛ فصلنامه فقه، ش ۳، ۱۴۰۱، ص ۶۷-۹۵.
۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس؛ « ارز مجازی، قانونگذاری در کشورهای مختلف و پیشنهادهای برای ایران »؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷.
۱۷. مدرسی یزدی، محمدتقی؛ **فقه رمزارزها**؛ ج ۱، قم: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۰.
۱۸. مصطفی سائو، قطب؛ **فی نقدیة العمالت الرقیمة المشفرة و أثرها فی بیان حکمها الشرعی رؤیة منهجیة**؛ موسوعه الاقتصاد و التمويل السلامی، ۱۴۳۵ق.
۱۹. میرزاخانن، رضا و حسینعلی سعدی؛ « بیت‌کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی »؛ **جستارهای اقتصادی ایران**، ش ۳۰، ۱۳۹۷، ص ۷۱-۹۲.
۲۰. نایینی، میرزا محمدحسین؛ **المکاسب و البیع**؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۳۸ق.
۲۱. نواب پور، علیرضا، احمدعلی یوسفی و محمد طالبی؛ « تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری‌شده (مطالعه موردی بیت‌کوین) »؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش ۷۲، ۱۳۹۷.
۲۲. نوروزی، احمد و احمد شعبانی؛ « بررسی فقهی انتشار رمزارز نفت‌پایه توسط جمهوری اسلامی ایران »؛ **مطالعات اقتصاد اسلامی**؛ ش ۲۷، ۱۴۰۰، ص ۱-۲۷.

۲۳. نوروزی؛ احمد و مهدی صادقی شاهدانی؛ «راهبرد تأمین مالی پروژه های نفتی در چهارچوب نظام رمزارزها»؛ فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳-۱۶۹.
۲۴. وزارة الاوقاف و شئون الاسلامیه؛ الموسوعه الفقهیه الكويتیه؛ ج ۴۱، کویت: وزارة الاوقاف و شئون الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود؛ المطور؛ تهران: دانشگاه عدالت، ۱۴۳۸ق.
۲۶. —؛ قرائات فقهیه معاصره؛ ج ۲، قم: مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۳ق.
۲۷. یعقوبی، حسین؛ «بلاکچین و کاربردهای آن در بانک و پرداخت»؛ هفتمین همایش سالانه بانکداری و نظام های پرداخت، ۱۳۹۶.
28. Financial Action Task Force, Financial Action Task; “Virtual Currencies - Key Definitions and Potential AML/CFT Risks”; 2014.
29. Franco, P; “ Understanding Bitcoin: cryptography, engineering, and economics”; 2014.
30. Frankfurt, am Main; **Virtual Currency Schemes**; European Central Bank, 2012.
31. Guo, Jingzhi and Angelina Chow; "Virtual Money Systems: a Phenomenal Analysis"; **Enterprise Computing, E-Commerce and E-Services**, 2008.
32. Nakamoto, Satoshi; “Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System”; 2009, in: <https://bitcoin.org/bitcoin.pdf>.
33. Narayanan, A, J. Bonneau, E. Felten, A. Miller and S. Goldfeder; “Cryptocurrency Technologies: A Comprehensive Introduction”; Princeton University, 2015.
34. Raskin, M; "Meet the Bitcoin Millionaires, Bloomberg Businessweek"; 2015.
35. Wagner, Andrew; “Digital vs. Virtual Currencies”; 2014, in: <https://bitcoinmagazine.com/articles/digital-vs-virtual-currencies>